

نمونه دوم املا نوبت دوم

دانش آموزان ، آرام و با نظم و ترتیب وارد کلاس می شدند.

مهدی با پدر و مادرش گلدان های پرگلی را که آورده بودند ، کنار حوض قرار دادند.

خطرهایی برای ما پیش می آمد ، مثلاً صدای روباه ها و شغال ها را نمی شنیدیم

باران شدیدی شروع به باریدن کرد و سیل بزرگی به راه افتاد

چه خیابان های منظمی چه رفت و آمد مرتبی ! این نظم و ترتیب را در خیابان ها چه کسی ایجاد کرده است؟

زینب جان اذان مغرب را گفتند بهتر است به وضو خانه برویم و وضو بگیریم

برای این که بتوانی یک عکس خوب بگیری باید هنرمند باشی

آنان کشور خود را از حمله ی دشمنان حفظ می کنند.

مردم ما پیش از نوروز خانه تکانی می کنندو در جشن نیکوکاری شرکت می کنند

خورشید گرما و نور خود را روی قطره های آب پاشید.

پدر قدم زنان به تماشای طبیعت رفت ولی مادرم تشنه بود و اطراف را نگاه می کرد.